

در باب تضمین

در این روزها که یک بار دیگر موضوع مذاکرات هسته‌ای و برجام به سوژه اول رسانه‌ها و فضای سیاسی کشور تبدیل شده است شاهد آن هستیم که یک کلیدواژه تکرار می‌شود؛ تضمین. مقامات ارشد نظام، تبلیغات رسمی و حتی مقامات دولتی و تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای هدف خود از آغاز دور جدید مذاکرات برای حفظ برجام را دریافت تضمین‌های لازم اعلام کرده‌اند.

در این روزها که یک بار دیگر موضوع مذاکرات هسته‌ای و برجام به  سوژه اول رسانه‌ها و فضای سیاسی کشور تبدیل شده است شاهد آن هستیم که یک کلیدواژه تکرار می‌شود؛ تضمین. مقامات ارشد نظام، تبلیغات رسمی و حتی مقامات دولتی و تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای هدف خود از آغاز دور جدید مذاکرات برای حفظ برجام را دریافت تضمین‌های لازم اعلام کرده‌اند.

در مذاکرات هسته‌ای بین سال‌های ۹۲ تا ۹۴ شاهد آن بودیم که تصمیم‌گیران این پرونده بر این نکته تاکید داشتند که برجام زمانی مورد تایید قرار خواهد گرفت که تضمین‌های لازم برای تحقق منافع ایران از آن دریافت شده باشد. موضوع امضای رئیس‌جمهور آمریکا برای رفع تحریم‌ها از جمله مصداق‌هایی بود که برای تضمین مورد اشاره بیان می‌شد. بر اساس آنچه در برجام و اجرای مفاد آن قابل مشاهده است تیم مذاکره‌کننده به رهبری محمدجواد ظریف توانستند در آن دور از مذاکرات سه تضمین از جنس آنچه در داخل مطالبه آن شده بود را دریافت کنند.

مصوبه اتحادیه اروپا برای رفع تحریم‌های مرتبط با کشورهای اروپایی که با رای اجماعی اعضای این اتحادیه روبرو شد، امضای رئیس‌جمهوری ایالات متحده که هر ۱۲۰ روز یک بار تکرار می‌شد و با آن توقف تحریم‌های مرتبط با پرونده هسته‌ای را شاهد بودیم و از این دو مهم‌تر قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل که به تعبیری بالاترین تضمین ممکن برای اجرای برجام بوده است. آنچه در عمل رخ داد اما این بود که با وجود تمامی این تضمین‌ها از امضای رئیس‌جمهور آمریکا تا قطعنامه شورای امنیت، دونالد ترامپ به اصطلاح زیر می‌زد و نه تنها از برجام خارج شد بلکه زمره‌های بازگشت تحریم‌ها و وضع تحریم‌های شدیدتر به گوش می‌رسد. بر اساس این تجربه می‌توان به این

نتیجه رسید که تضمین به آن معنایی که مقامات ایرانی به آن اشاره می‌کنند چندان نتوانسته است به باقی ماندن برجام کمکی کند.

به نظر می‌آید لازم است تا تعریفی دیگر از تضمین اجرای تعهدات طرف مقابل را ارائه داد و از این تصور که امضای رئیس یک دولت و یا قطعنامه شورای امنیت می‌تواند تضمینی برای اجرای تعهدات طرف مقابل در برجام یا هر توافق دیگری باشد گذر کرد. تضمین اَبَر قدرتها برای اجرای خواسته‌های به حق و ناحقشان قدرت اقتصادی، سیاسی و رسانه‌ای است که در اختیار دارند. آنان با این توانمندی‌ها می‌توانند با اعمال نفوذ در ساختارهای نهادهای بین‌المللی و طرفهای مقابل خود در توافقات و قراردادهای خواسته‌های خود را به پیش ببرند، بنابراین می‌توان گفت این گروه از کشورها که تعدادشان هم زیاد نیست با ابزارهای قدرتی که در اختیار دارند اجرایی شدن آنچه می‌خواهند را تضمین می‌کنند. اما آیا کشور ما در این دسته، طبقه‌بندی می‌شود؟

پاسخ، مطلقاً نه است! ایرانِ ما در نهایت یک قدرت منطقه‌ای است که بسیاری از ابزارهای لازم برای آنکه یک قدرت جهانی خوانده شود را ندارد. در نتیجه برای تضمین اجرایی شدن خواسته‌هایش در برجام می‌باید طرحی دیگر دراندازد و با شعار تو خالی و نمایش قدرت نمی‌توان به منافع حاصل از برجام دست یافت. به نظر می‌رسد آنچه می‌تواند تضمینی برای اجرای خواسته‌های ایران در برجام باشد توجه به «روح برجام» است. تضمین اجرای مفاد برجام از سوی طرفهای دیگر برجام تنها و تنها پذیرش این مسئله است که نظام سیاسی مستقر در ایران برای رفع تنش‌ها و اختلافات غیرهسته‌ای اعلام آمادگی کند. ممکن است برخی با نگاهی حقوقی معتقد باشند برجام هسته‌ای اساساً ارتباطی به سایر موضوعات ندارد و طرفهای مقابل ایران می‌باید به تعهد خود وفادار باشند.

این نکته در یک فضای خلاء و یک بحث تئوریک حقوقی کاملاً صحیح است اما ما در اینجا از منظر حقوقی موضوع را بررسی نمی‌کنیم بلکه به دنبال یافتن مصداقی برای تضمین سیاسی حفظ برجام و اجرای تعهدات طرف مقابل هستیم. برجام الگویی است که می‌تواند به خوبی برای حل و فصل سایر پرونده‌های باز میان ایران و غرب نیز مورد استفاده قرار بگیرد و آنچه تضمین واقعی ادامه حیات این توافق مهم و سرنوشت‌ساز خواهد بود جز این نیست.